

پیشینه یک رسم نوروزی در میان عشایر و روستائیان کرمان

شکستن لنگ سیزده!



این دو بچه هم دو دختر نابالغ باشند، داده شده است، در حالیکه این دو بچه یا دو دختر نابالغ در سر در آغل ایستاده اند... (۳)

پس از شرح رسم «بره پی» و تأکیدی که بر اجرای بخشهای مهم آن توسط دختران نابالغ شده، «بهینا» به ارتباط این رسم با مفهوم «لنگ سیزده» اشاره می کند: «... اگر (عشایر) در روز اول عید موفق به «بره پی» نشوند باید تا «لنگ سیزده» یعنی نیمه اول سیزده روز بعد از نوروز صبر کنند (یعنی تا حدود ششم و هفتم فروردین) حتی اگر در این روز موفق به این عمل نشوند می‌بایست تا ۱۴ فروردین ماه صبر نمایند، چون که اعتقاد دارند گوسفندان آنها «سیزده گیر» (یعنی دچار نحوست سیزده) خواهند شد. (۴)

همین رسم عشایری در جایی دیگر به گونه واضحتری شرح داده شده است:

«عشایر ارشلو» روز اول فروردین ماه هر سال را جزء روزهای خوب می‌دانند اگر در این روز موفق نشوند کار خود را شروع کنند (مثلاً بره پی) صبر می‌نمایند تا به اصطلاح خودشان: لنگ سیزده بشکنند!

یعنی هفت روز از عید بگذرد و در روز هفتم بره‌ها را به پای مادرشان ریخته و روانه مراتع می‌سازند. در صورت موفق نشدن در این روز می‌بایست تا روز چهاردهم فروردین صبر نمایند و در این روز کار خود را آغاز نمایند. (۵)

مرحوم بهینا در مورد پایبندی عشایر به این رسم خاطره ذیل را نیز نقل کرده است:

«یکی از خریداران قالی بیان می‌کرد که من در روزهای قبل از هفتم عید خریدار قالی شدم ولی به هر خانواده‌ای (از خانواده‌های عشایری) که سرمی‌زدم در جواب من گفته می‌شد ما تا لنگ سیزده نشکنند قالی را از خانه خودمان بیرون نمی‌کنیم! ... (۶)

براساس این رسم انکار یا گذشتن هفت روز از شروع سال و «شکستن لنگ سیزده» وقعه‌ای موقت در نحوست سیزده ایجاد می‌شود و فرصت کوتاهی برای پیشبرد امور و انجام کارها در یک روز خاص ایجاد می‌شود که اگر از این فرصت استفاده نشد دیگر باید تا بعد از سیزده نوروز یعنی زمان مرگ کامل «سیزده» صبر کرد.

این روز خاص که در صورت حلول سال در اول فروردین ماه به هفتم و در صورت حلول در ۲۹ اسفند به ششم فروردین می‌افتد را شاید بتوان به یکی دیگر از اعتقادات ایرانیان عصر باستان و زرتشتیان امروز مرتبط دانست. در واقع از منابع زرتشتی چنین برمی‌آید که زمان «شکستن لنگ سیزده» درست مصادف با همان روزی است که «اشوزرتشت» (= زرتشت پاک) در آن به دنیا آمده است و ضمناً شکستن لنگ سیزده در روزی اتفاق می‌افتد که در همان روز «زرتشت» به پیامبری رسیده است!

یکی از زرتشتیان قدیمی کرمان (۷) درباره روز ششم فروردین و مراسم خاص این روز نقل می‌کند که:

«روز ششم فروردین (خورداد و فروردین ماه) روز تولد و نیز به پیامبری رسیدن «شوزرتشت» است. این روز که نزد تمام زرتشتیان عزیز و محترم است، در هر منطقه

فروردین به حدود ساعت یک بعدازظهر یا همان ساعت ۱۳ «لنگ سیزده می‌شکند» و با این اتفاق از نحوست آن کاسته می‌شود.

جالب این که حتی چنین اعتقادی نیز در اعتقادات ایرانیان خردمند عصر باستان نظایری دارد و بعنوان نمونه ایرانیان باستان معتقد بوده‌اند که «الهه یا ایزد بانوی باران» یا همان «تیشتر» در نیم روز سیزدهم فروردین ماه بر «دیو خشکالی» یا «پوشه» غلبه می‌کند و پیروز می‌شود و به عبارت دیگر لحظه شکست «پوشه» در اعتقادات عصر باستان معادل با لحظه شکستن «لنگ سیزده» می‌باشد!

استاد دکتر «بهرام فروموشی» در همین ارتباط نوشته‌اند:

«ایرانیان در روزگاران کهن پس از برگزاری مراسم نوروزی و دمیدن سبزه و گندم و جو و حبوبات در نخستین روزهای سال و در روزی که متعلق به «ستاره باران» (یا همان ایزدبانوی باران) بود، یعنی در روز سیزدهم فروردین ماه، به شدت و صحرا و کنار چشمه و جویبار می‌رفتند و به هنگام شکست یافتن «پوشه» دیو خشکالی در نیم روز، گوسفند بریان می‌کردند و این نثاری بود برای فرشته باران «تیشتر» یا «تیر» تا کشت‌های نودمید را سیراب کند... (۲)

اما شاید بکرترین و دست نخورده‌ترین رسوم و اعتقادات مربوط به تعبیر «شکستن لنگ سیزده» را بتوان در میان عشایر کرمان پیدا کرد و در اینجا شاید عشایری که امروزه در حد فاصل «گوگر» و «سیرجان» زندگی می‌کنند، مناسبتین گروه برای این بررسی باشند.

زنده یاد «علاء الدین بهینا» در اثر محققانه‌ای که پس از مدتها زندگی و حشر و نشر با عشایر طایفه «ارشلو» از ایل «بجاقچی» درباره ویژگی‌های مردم شناختی این عشایر نوشته است به وجود اعتقادات و رسومی پیرامون مفهوم «شکستن لنگ سیزده» در بین آنان اشاره می‌کند که اگر چه با آنچه پیرامون اعتقاد قدیمی‌های «گوگر» در این مورد گفتیم شباهت زیادی دارد اما به جهاتی با آن متفاوت است (محل ییلاق عشایر «ارشلو» در محدوده «چهارگنبد» که مابین «سیرجان» و «گوگر» می‌باشد، واقع است)

مرحوم بهینا نخست برای روشن ساختن موضوع به شرح رسم نوروزی «بره پی» در میان عشایر مذکور پرداخته است:

«در اول فروردین ماه هر سال نحوه چراندن گوسفندان کاملاً متفاوت می‌شود بدین صورت که هر کدام از خانوارهای (عشایری) در سپیده صبح بره‌های خود را به پای مادرانشان می‌انداختند که (به چنین عملی در گویش محلی) «بره پی» (Barreh - pey) می‌گویند (و وجه تسمیه آن این است که در چنین روز برغاله‌ها (کپر‌ها) به پای مادرشان انداخته نمی‌شوند و فقط راجع به بره‌ها چنین کاری انجام می‌شود) و سپس همگی افراد شریک گله جمع می‌شوند و طی مراسم خاصی در روز اول عید (= یکم فروردین) گوسفندان خود را از زیر قرآنی رد می‌کنند که آن قرآن در درون یک چادر (= سرانداز) تمیز دختری نابالغ گذاشته شده و دو طرف آن چادر به دست دو نفر از بچه‌های کوچک که بهتر است

سالها پیش، وقتی که خیلی بچه بودم در اولین روزهای نوروز به اتفاق خانواده و برای دیدار یا پدر بزرگ و مادر بزرگ و سایر اقوام پدری، از شهر کرمان به روستای آباء و اجدادیمان «گوگر» (از توابع شهرستان بافت) سفر می‌کردیم.

خوب یاد هست که در این ایام از پیرها و بزرگترهای خانه و به طور کلی از برخی اهالی «گوگر» عبارتی را به صورتی مختلف می‌شنیدم که وجه اشتراک همه آنها اشاره به موضوع «شکستن لنگ (= پای) سیزده» بود. تا جایی که به خاطر دارم برخی از کاربردهای این عبارت را می‌شد در روزهای نخست فروردین ذیل خلاصه کرد:

مثلاً وقتی در روزهای نخست فروردین به چوپانی گفته می‌شد که فلان کار را انجام بدهد، چوپان بهانه می‌آورد: «لنگ سیزده هنوز نشکسته!»، اجازه بدین لنگ سیزده که شکست این کار را انجام می‌دهم!...»

یا اگر کسی قصد معامله یا حتی خرید و فروش وسیله‌ای (ولو وسایل ساده و پیش پاافتاده) را داشت، در روزهای اول فروردین و تا حدود ششم یا هفتم فروردین ماه دست نگه می‌داشت و می‌گفت: «ان اشا... بعد از شکستن لنگ سیزده!»

یا وقتی که خانواده ما (یعنی من و پدر و مادر و تنها برادرم) در روزهای سوم یا چهارم فروردین می‌خواست «گوگر» را برای دیدار با اقوام مادری نگارنده به مقصد شهر «سیرجان» (سرزمین مادری ام) ترک کند، برخی از قدیمی‌های مهربان و پیران صاحب‌لغوی، با گلایه و ناراحتی می‌گفتند: «وای خدا مرگم بدهد!... کجا به این زودی؟!... هنوز لنگ سیزده نشکسته می‌خواین راه بیفتین؟!...»

به هر حال از نحوه به کار گرفتن عبارت مذکور و با توجه به این که «سیزده نوروز!» یا همان «سیزده به در» معروف در پیش بود، برای هر شنونده‌ای معلوم می‌شد که مقصود گوینده این عبارت، نوعی اشاره مطایبه آمیز به نحوست «سیزده» می‌باشد و تلویحاً می‌خواهد بگوید که تا وقتیکه پای «سیزده نشکسته» و «سیزده» چلاق و ناتوان نشده است و همچنان توانایی انجام حرکت‌های منحوس و نامیمون در جهت تخریب و نابودی کارهای انسان را دارد، باید از انجام هر کاری خودداری کرد و تا زمان شکستن لنگ «سیزده» و ناتوانی او دست نگه داشت!... یعنی تا آن زمان نه باید کاری جدید انجام داد، نه باید خرید و فروشی کرد، نه باید مسافرت نمود و...

از مضمون حرفهای گویندگان چنین عباراتی همچین برمی‌آید که زمان «شکسته شدن لنگ سیزده» هنگامی است که حدود شش یا هفت روز از فروردین گذشته باشد. راه رسیدن به «سیزده نوروز» به نیمه رسیده باشد. به عبارت دیگر اگر در ذهن خود فاصله میان زمان تحویل سال (در روز ۲۹ اسفند یا اول فروردین) تا سیزده نوروز را یک فرد کامل و سالم به نام «سیزده» تصور کنیم، هنگامیکه نیمه نخست زندگی این فرد (یعنی از لحظه حلول سال جدید تا ۶ یا ۷ فروردین ماه) طی شده باشد و عمرش به نصف رسیده باشد، لنگ یا همان پای او خواهد شکست و بخش زیادی از توانایی‌های شوم او زایل خواهد شد!...

براساس این اعتقاد نوروزی، رسم روستائیان این منطقه از کرمان بر این بوده که حتی المقدور در نخستین ایام پس از نوروز از شروع کارهای جدید خودداری کنند و برعکس همه کارها را به حدود هفت روز پس از عید یعنی زمانی که لنگ سیزده شکسته است، محول نمایند. اگر چه چنین رسمی حتی در همان زمان (حدود سی سال قبل) هم معمولاً از حد یک حرف آمیخته به مزاح، تعارف یا بهانه و... فراتر نمی‌رفت و اندک اندک در حال فراموشی بود و تا به امروز اثری از آنان جز در ذهن برخی قدیمی‌های «گوگر» باقی نمانده است، اما شاید بتوان این رسم را به برخی از اعتقادات ایرانیان باستان در مورد «نوروز» تشبیه نمود.

بعنوان نمونه تأمل در آثار و منابع برجای مانده از دورانهای باستان نشان می‌دهد که شاهان باستانی ایران برخلاف پادشاهان دورانهای متأخر فعالیت‌هایی مثل «بارعام» و سلامهای عمومی و همگانی را هرگز در روزهای نخست فروردین ماه برگزار نمی‌کرده‌اند، بلکه به قول «دکتر حسین تجدد»:

«... در دوره باستان از روز نهم تا سیزدهم فروردین یعنی از یک روز پس از طی شدن هفت روز نخست نوروز) بار همگانی شاهی برای پذیرفتن تمام گروه‌ها برگزار می‌شده است. (۱)»

البته در جاهای دیگر از استان پهنای کرمان تعبیر «شکستن لنگ سیزده» در معانی و مصداق متفاوت از آنچه گفته شد نیز کاربرد دارد و مثلاً در شهر دوست داشتی «سیرجان» و برخی روستاهای آن کاربرد این تعبیر تنها به روز سیزدهم نوروز مربوط می‌شود و سیرجانی‌ها معتقدند که با از نیمه گذشتن این روز و رسیدن آفتاب «سیزده» به وسط آسمان (یعنی رسیدن ساعت در روز سیزدهم

بامراسم ویژه خود تا امروز برگزار می‌شود. در شهر کرمان، پیش از غروب آفتاب، همگی در «شاه وره‌رام ایزد» گرد هم می‌آمدند. هر کس زیباترین لباس خود را می‌پوشید. کودکان حتی لباس عید خود را نگه می‌داشتند تا در این روز به تن کنند. با حضور موبد و اوستا خوانی، مراسم شروع می‌شد. بر سر سفره مقابل موبد: گل و شمشاد و عکس اشوزرتشت حتماً وجود داشت.

نقل و شش‌برینی می‌گردانند، رئیس انجمن زرتشتیان، خیر مقدم و تبریک سال نو و جشن ششم فروردین را می‌گفت و پس از آن اجرای سرودها و نمایشهای سنتی و مذهبی، شعرخوانی و موسیقی و... انجام می‌شد. در این جشن مسلمانان نیز می‌توانستند حضور پیدا کنند و پس از آن مراسم خیرات آتش و «سبرو» و دید و بازدید یکدیگر برقرار می‌گردید («سبرو» نوعی نان ویژه مراسم مذهبی زرتشتیان کرمان است که خمیر آن در روغن سرخ می‌شود و روی او پودر قند می‌باشند. مسلمانان بدان «روغن جوشی» یا «روغن جوشو» گویند).

این مراسم کم و بیش به همین شکل در «کرمان» و نیز «شیراز» برگزار می‌شود ولی در یزد مراسم دیگری نیز اجرا می‌شده است.

در شب جشن ششم فروردین که به نام شب «هوزه رو (Havaru) خوانده می‌شد، تمام زرتشتیان در آتشکده کرمان جمع می‌شدند و کوزه سبزی را که قبلاً هر کس در آن چیزی انداخته بود می‌آوردند و دختر نابالغی می‌نشست و به ترتیب اشیاء را از کوزه بیرون می‌آورد. حاضرین برای هر شیء شعری می‌خواندند و صاحب شیء آن شعر را جواب نیت خود می‌گرفت.

سپس ظرف مسی بزرگی را می‌آوردند و دستمال ابریشمی سبز رنگ بزرگی روی آن می‌گسترانند و هر کس که نیتش خوانده می‌شد، مخفیانه از زیر دستمال پولی در ظرف می‌انداخت. کسی که مسئول گرداندن ظرف بود این پولها را به فقرا می‌داد، ولی از آنجا که در بین زرتشتیان کرمان معمولاً کسی نبود که محتاج صدقه باشد، این پول صرف سفید کردن ظروف مسی آتشکده می‌شد.

شب روز ششم (= شب هفتم) با جشن و شادی و آواز خاتمه می‌یافت (۸)

نکته جالبی که می‌تواند آیین‌های جشن و سرور مربوط به زادروز زرتشت و زمان گزینش او به پیامبری در اعتقادات زرتشتیان را با اعتقادات و رسوم عشایر و روستائیان کرمان پیرامون «شکستن لنگ سیزده» مربوط بکند علاوه بر مقارنت زمانی این دو پدیده، نقش «دختران نابالغ» در اجرای هر دوی آنهاست که در بالا بدان اشاره کرده‌ایم.

به نوع نگارنده این نکته رمزی است که قدمت چنین رسوم و آیین‌هایی را به هزاران سال قبل یعنی به زمان سیطره مقتدرانه پانتئون «ایزدبانویان» یا «الهه گان» بر اعتقادات مذهبی ساکنان فلات ایران بازمی‌گرداند، یعنی به اعصاری حتی قبل از عصر ظهور زرتشت و زمان پرستش «آناهیتا» یا همان «ناهید»!... عصری که برخی آن را عصر ما در سالاری نیر خوانده‌اند یکی از معروفترین این «ایزدبانویان»، «بانوی باران و جویباران» می‌باشد که گاه به او «فرشته باران» یا «ستاره باران» نیز گفته شده و نام اصلی او «تیشتر» یا «تیر» می‌باشد و اتفاقاً همانطور که گفتیم (رو به سیزدهم فروردین ماه در اعتقادات عصر باستان

روز متعلق به او به شمار می‌آید، چرا که الهه مذکور در نیم روز ظاهر گاه این روز بر «پوشه» یا دیو خشکالی و قحطی غلبه می‌کند براساس نکته‌ای که در «دانشنامه مزدسینا» آمده و امروز همه مانیز کم و بیش از آن نکته آگاه و حتی بدان پایبندی می‌باشیم: «روز سیزدهم نوروز در ایران» سیزده به در گفته می‌شود و در این روز همگان برابر یک رسم به بیرون شهر رفته و به تفریح و گردش می‌پردازند تا به اصطلاح نحوست این روز را به در کنند. (۹) اما باقی ماندن چنین رسمی تا به امروز بدون تردید نیاز به همیشگی مردم به بارش باران و برکت آسمانی بی‌ارتباط نبوده است: «شاید یکی از دلایل حفظ سیزده بدر در میان ایرانیان به مناسبت همنام بودن این روز با نام «تیشتر» (= تیر) یا ایزد و ستاره باران بوده باشد و مردم (در واقع) برای نیایش و درخواست باران برای کشاورزی بیرون می‌رفته‌اند... (جشن دیگر در همین ارتباط) جشن «تیرگان» یا «آب ریزان» می‌باشد که این جشن را هم در روز سیزدهم از تیر ماه یا همان «تیرآذر» برپا می‌کرده‌اند و هم اکنون نیز زرتشتیان (از جمله در کرمان) این روز را جشن گرفته و با پاشیدن آب به یکدیگر نوای شادی سر می‌دهند. (۱۰)

همانطور که در سطرهای قبل اشاره شد یکی از رسوم قدیمی که ایرانیان در روز «سیزده به در» و هنگام گردش در طبیعت به جا می‌آورده‌اند بریان کردن گوسفند در نیم روز یعنی در لحظه شکست «پوشه» (دیو خشکالی) بوده که البته این گوسفند بریان نثار مقدم صاحب روز سیزده یعنی همان «تیشتر» (یا بانوی باران و جویباران) می‌شده تا او مزارع